

معناشناسی معروف در قرآن و رابطه آن با حقوق زن در خانواده^۱

طیبه اکبری راد^۲

فهیمة ملک زاده^۳

چکیده

«معروف» واژه‌ای است برای معرفی کارهای نیک در قرآن کریم که هر گونه طاعتی را در برمی‌گیرد. عرف و معروف بیش از ۴۰ بار در قرآن به کار رفته است و بیشتر شامل بخش‌های حقوقی قرآن می‌شود. بیش از پنجاه درصد از این موارد مربوط به حقوق زن در نظام خانواده است. مقاله حاضر با استفاده از معنی‌شناسی ساختگرا (روابط معنایی در سطح واژه) واژه معروف را مورد تحلیل قرار داده است. تقابل این واژه با واژه‌های «نکر»، «منکر» و «جهل» نشان می‌دهد که معروف و عرف در بیان قرآن کریم به معنای شناخته شده، نیکو و امر منطبق بر طبع، شرع و عرف خردمندانه عمل کردن است. موارد کاربرد این واژه در قرآن کریم همچنین نشان می‌دهد که در بعضی آیات، حقوق زنان در زندگی مشترک به صورت کلی و مطلق، با این واژه بیان شده و گاه تامین نیازهای اقتصادی و گاهی دیگر، نوع رفتار و معاشرت با زنان با این واژه تبیین گردیده است. قید «معروف» در آیات مذکور بیانگر آن است که کلیه حقوق زن در نظام خانواده باید مقبول طبع، عقل، شرع، عرف و فرهنگ جامعه باشد.

واژگان کلیدی

زن، خانواده، معروف، حقوق، عرف، معنی‌شناسی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۶/۶؛ پذیرش نهایی مقاله: ۸۸/۱۲/۵

۲- دکتری علوم قرآن و حدیث؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۳- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی گرایش حقوق خانواده؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

مقدمه

مسأله‌ای که در اغلب مقاطع زمانی دستخوش تغییر و تحول قرار می‌گیرد، نحوه نگاه به جایگاه زن است. فراز و نشیب این نگاه به گونه‌ای است که می‌توان ادعا کرد کمتر موضوعی در طول تاریخ، این چنین صعود و نزول ارزشی پیدا کرده است. مقتضیات عصر ما ایجاب می‌کند که بسیاری از مسائل مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرند. حقوق زن در نظام خانواده از جمله این مسائل است. قرآن کریم، به اتفاق دوست و دشمن احیاکننده حقوق زن است. حتی مخالفان اعتراف دارند که قرآن در عصر نزولش گام‌های بلندی به سود زن و حقوق انسانی او برداشته است؛ ولی باید دانست که قرآن هرگز به نام احیای زن به عنوان «انسان» و شریک مرد در انسانیت و حقوق انسانی، زن بودن زن و نیز مرد بودن مرد را به فراموشی نسپرده است. به عبارت دیگر، قرآن زن را همان گونه می‌بیند که در طبیعت هست. از این رو هماهنگی کامل میان فرمان‌های قرآن و فرمان‌های طبیعت برقرار است. زن در قرآن مغایر با زن در طبیعت نیست. در این مقاله از چشم‌اندازی دیگر به حقوق زن در قرآن کریم نگاه می‌شود و بر این نکته که در قرآن کریم برای تبیین حقوق زن در نظام خانواده، قید «معروف» به کار می‌رود، دقت نظر بیشتری معطوف می‌گردد.

بر این اساس، سؤالات تحقیق به شرح ذیل شکل می‌گیرد:

- ۱- چرا در قرآن کریم برای تبیین حقوق زن از واژه «معروف» استفاده شده است؟
 - ۲- چگونه می‌توان به مفهوم «معروف» در قرآن کریم پی برد؟
 - ۳- چه مواردی در قرآن از مصادیق «معروف» است؟
- برای رسیدن به پاسخ سؤالات یاد شده، نخست با استفاده از بعضی روش‌های معناشناختی^۱ این واژه تعریف شده، سپس موارد کاربرد آن در آیات مورد تحلیل

۱- (semantics) از ظهور معناشناسی به عنوان یک علم کمتر از نیم قرن می‌گذرد (لایبزر، ۱۳۸۳، ص ۱۱). یکی از شاخه‌های معناشناسی، معناشناسی زبانی است. در این نوع معناشناسی، توجه به سوی خود زبان است و ←

قرار می‌گیرد و آن گاه رابطه معروف با حقوق زن در قرآن کریم به بحث گذاشته می‌شود.

معنای لغوی معروف

معروف اسم است برای هر فعلی که نیک بودنش به وسیله عقل یا شرع شناخته شود (مصطفوی، بی‌تا، ص ۵۹۵؛ راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۳۴۳). بر این اساس گفته شده: معروف در مقابل منکر به معنای چیزی است که شناخته شده و بر آن اطلاع حاصل شده است، به گونه‌ای که عقل آن را می‌شناسد و انکار نمی‌کند. عرف در مقابل نکر قرار دارد. چیزی که آشکار و شناخته شده است. مانند جود ظاهری، موج دریا و موی گردن اسب. از این دیدگاه، «انکار» در مقابل «عرفان» ذکر شده است. انکار عدم اعتراف و قبول است. «معروف» چیزی است که فی نفسه مشخص است. منظور از «معروف فی نفسه» این است که در حقیقت و در واقع معروف است، به گونه‌ای که عقل سالم آن را قبول کرده، به آن اعتراف دارد. سپس شرع موافق عقل آن را می‌شناسد. همچنان که منکر عبارتست از چیزی که عقل سلیم آن را انکار می‌کند و چیزی که مخالف حق و شرع است. «معروف» هر چه را که در شرع به آن امر شده است، دربرمی‌گیرد: خواه واجب باشد خواه مستحب. همچنین چیزی است، که عقل سلیم به آن هدایت می‌کند. همچنان که «منکر» شامل می‌شود هر چه را که شرع از آن نهی می‌کند، خواه حرام باشد خواه مکروه و نیز هر چه را که عقل سلیم و فطرت پاک از آن نهی می‌کند. بنابراین «معروف» در همه موارد خیر و صلاح و فلاح و امور نیک و فریضه و امر جمیل به کار می‌رود (مصطفوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۱-۹۹).

→ معنانشناس با مطالعه معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان است (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۲۸). در معنی‌شناسی ما با مجموعه‌ای از نظریات و روش‌ها مواجه هستیم. این نظریات و روش‌ها هر کدام در وصف مسأله‌ای از مسائل معنا کاربرد دارند. در این مقاله برای شناخت واژه «معروف» در قرآن کریم از «معنی‌شناسی ساخت‌گرا» درچارچوب روابط معنایی در سطح واژه استفاده می‌شود.

عرف در علم اصول

واژه «عرف» در علم اصول اصطلاحی است که به عادت بیشتر مردم یک ناحیه در سخن یا عمل اطلاق می‌شود. در تعریف عرف، اصولیان به مؤلفه‌های زیر قائل شده‌اند:

۱- «عرف» نوعی عادت است و عادت معنایی است دارای صفت تکرار و بدون نیاز به رابطه تلازم عقلی. ۲- عادت اکثریت است. ۳- شامل عادت طبیعی نمی‌شود و تنها به گفتار یا کردار مربوط می‌گردد.

همچنین اصولیان برای عرف قائل به وجود شرایطی شده‌اند:

۱- غالب بودن عرف؛ منظور از این شرط آن است که وقتی عمل و رفتاری بین مردمی یا تمام مردم به صورت متعارف در آید، می‌باید که در غالب مصادیق آن مورد عمل قرار گیرد.

۲- عرف باید همزمان باشد نه سابق و نه لاحق؛ معنای این شرط آن است که هرگاه بخواهیم مسأله‌ای را با دلالت عرف و عادت حل کنیم، باید عرف و عادت همزمان با حدوث و وقوع آن مسأله باشد؛ در غیر این صورت نمی‌توان به آن عمل کرد.

۳- عدم تصریح، بدین معنا که عرف وقتی به کار گرفته می‌شود که طرفین قرارداد ساکت مانده، برای حل اشکالات احتمالی مربوط به روابط خود راه‌حلی پیش‌بینی نکرده باشند.

۴- عدم مخالفت با نص شرعی. بدین معنا که هرگاه نصی از جانب شرع داشته باشیم و یا قاعده‌ای قطعی در شرع وجود داشته باشد، نمی‌توان برخلاف آن‌ها به عرف و عادت عمل کرد (کریمی زنجانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۲).

مفهوم معروف در قرآن کریم

مفهوم معروف را در قرآن کریم می‌توان از طریق واژه‌های متقابل شناسایی

کرد^۱. در آیات قرآن، «معروف» و «عرف» درمقابل «منکر»، «نکر» و «جهل» قرار دارند. در بعضی از آیات، واژه‌های «منکر» و «نکر» به معنای ناشناخته می‌باشند. در آیات ۶۱ و ۶۲ سوره حجر سخن لوط به فرشتگانی که به صورت جوانانی زیباروی برای او ناشناس بودند، ذکر شده است (طباطبائی، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۲۶۲). «فلما جاء آل لوط المرسلون قال انکم قوم منکرون». در آیه ۲۵ سوره زاریات نیز حکایت کلام ابراهیم به میهمانان ناشناس است «اذ دخلوا علیه فقالوا سلاما قال سلام قوم منکرون». در آیه ۸۷ سوره کهف سخن ذوالقرنین به قومش بیان شده است که می‌گوید: کسی که بر نفس خود ظلم کند، او را عذاب می‌کنیم و بازگشت او در قیامت به سوی پروردگارش است که خدا او را عذابی غیرآشنای بی‌سابقه می‌کند «...قال اما من ظلم فسوف نعذبه ثم یرد الی ربه فیعذبه عذاباً نکرأ». «نکر» در این آیه به معنای غیرآشنا است (همو، ج ۱۳، ص ۶۳).

در بعضی دیگر از آیات، «نکر» و «منکر» به معنای زشت آمده‌اند. به عنوان نمونه وقتی در آیه ۷۴ سوره کهف سخن موسی به حضرت خضر بیان می‌شود، او می‌گوید: آیا نفسی را که از گناه پاک بود، کشتی؟ البته تو کاری زشت و ناپسند انجام دادی «... قال اقتلت نفساً زکیه بغير نفس لقد جئت شیناً نکرأ». در اینجا «نکر» به معنای زشتی است که برای طبع انسان ناشناخته است و جامعه بشری آن را نمی‌شناسد (همو، ص ۵۱۶). در آیه ۲۹ سوره عنکبوت نیز «منکر» به معنای زشت است. لوط می‌گوید: آیا شما به طریق مباشرت و شهوت به سوی مردان می‌آیید و راه نسل را قطع می‌کنید و در مجالستان کار زشت (لواط) می‌کنید؟ «انکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکر». در آیه ۲ سوره مجادله نیز وقتی خداوند عمل ظهار را رد می‌کند، می‌فرماید:

۱- بعضی از رابطه‌های معنایی در سطح واژه عبارتست از شمول معنایی، هم معنایی و تقابلی معنایی. تقابلی معنایی گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود. نوعی از تقابلی، میان صفت‌ها قرار می‌گیرد که قابل درجه‌بندی است (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸).

اینان که زنان خود را ظهار می‌کنند، با گفتار خود، هم سخن زشتی می‌گویند و هم دروغ می‌گویند «و... انهم ليقولون منكرًا من القول و زورا...». سخنشان ناپسند است، چون شرع آن را زشت می‌داند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۹، ص ۳۶۹). همراهی و قرین بودن «منکر» با واژه «زور» نشان می‌دهد که طبیعت انسان آن را نپذیرفته است و این برایش ناآشناست. همان طور که مشاهده می‌شود، در آیات یاد شده واژه‌های «منکر» و «نکر» که مقابل واژه «معروف» به کار رفته‌اند، به معنای ناشناخته بودن و زشت بودن هستند؛ زشتی که خلاف طبیعت انسان یا خلاف شرع است. بنابراین «معروف» به معنای شناخته شده، نیکو و منطبق بر طبیعت انسان و شرع و عرف متکی بر عقل و شریعت است. در آیه ۱۹۹ سوره اعراف واژه «عرف» در مقابل جهل به کار رفته است.^۱ جهل نقیض علم نیست، بلکه به معنای خیره‌سری، پرخاشگری و شرارت است. این کلمه در زبان قرآن، حدیث نبوی و شعر جاهلی نیز به همین معنای تعصب و بی‌پروایی و کم‌خردی است. در روایتی پیامبر اکرم (ﷺ) دشنام دادن را از جاهلیت دانسته‌اند، در معلقه عمرو بن مکتوم نیز همین معنا آمده است. «لا یجهلن احد علینا فنجهل فوق جهل الجاهلینا» یعنی آیا کسی با ما سفاهت نورزد که ما بیش از همه خیره‌سری و شرارت خواهیم نمود. این شواهد نشان می‌دهند که ریشه جهل از قدیم به معنای تندگی و خیره‌سری و بی‌خردی بوده است. در آیه ۱۹۹ اعراف بخشایش‌گری و عرف در مقابل جاهلیت (خیره‌سری و شروری) آورده شده است (شوقی ضیف، بی‌تا، ص ۴۰). در این آیه تقابل عرف با جاهلیت و همچنین هم‌نشینی آن با عفو نشان می‌دهد که عرف به معنای مدارا کردن و خردمندانه عمل کردن است.

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید: عرف به معنای سنن و سیره‌های زیبای جاری در جامعه است که عقلای جامعه آن‌ها را می‌شناسند. برخلاف کارهای نادر غیرموسومی که عقل اجتماعی آن‌ها را انکار می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۶۸).

۱- خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین.

حوزه‌های معنایی مرتبط با معروف

واژه «معروف» یکی از واژگانی است که برای معرفی کارهای نیک در قرآن کریم به کار رفته است.^۱ در تمایز این واژه با واژه «بر» در قرآن کریم می‌توان گفت: برخلاف واژه «بر» که سنت‌های اجتماعی ملاکی برای نیک بودنش نمی‌باشد *لیس البران تأتوا البیوت من ظهورها ...* «معروف» - چنان که گفته شد - نیک بودنش متکی بر سنن و سیره‌های زیبایی جاری در جامعه است که عقلای جامعه آن را می‌شناسد، برخلاف کارهای نادر و غیرمرسوم که عقل اجتماعی انکارش می‌کند.^۲

کاربرد واژه «معروف» در قرآن کریم

واژه «عرف» و «معروف» بیش از ۶۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است. کاربرد واژه «معروف» در قرآن کریم متفاوت است؛ در مواردی چون آیات ۲ مجادله، ۱۰۴، ۱۱۰ و ۱۱۴ آل عمران، ۱۵۷ اعراف، ۶۷ اعراف و ۶۷ توبه به عنوان یک اصطلاح دینی به کار رفته است.^۳ یعنی عملی تلقی شده که از ایمان واقعی ناشی می‌شود و مطابق با دین است و در مقابلش منکر عملی است که با احکام الهی در تعارض است. بر این اساس بعضی از مفسران «معروف» را در این گونه موارد، اموری دانسته‌اند که خدا انجام آن را واجب کرده و عقلاً یا شرعاً به آن ترغیب نموده است و منکر را اموری معنا کرده‌اند که خداوند از انجام آن نهی

۱- واژه‌هایی که با «معروف» در یک حوزه معنایی قرار دارند، عبارتند از: بر، خیر، احسان و عمل صالح.
۲- واژه خیر مفهومی بسیار وسیع و فراگیر دارد و همه امور ارزشمند و مطلوب را دربرمی‌گیرد. در قرآن کریم حسنه در مقابل سیئه به کار رفته است. سیئه فعل قبیح و زشت و معصیت است، بنابراین حسنه به معنای فعلی است که در آن بدی و نقص و معصیت نباشد. لذا معنای اصلی و صریح آن هر نوع کار درست و نیکو است (اکبری راد، ۱۳۸۷، ش ۱۷، ص ۱۴). همنشین‌ها و واژه‌های متقابل عمل صالح در قرآن کریم نشان‌دهنده این مطلب است که عمل صالح اخص از خیر و معروف و بر و احسان است؛ معیارهای ذاتی و شرعی دارد و مصادیقش همه ابعاد زندگی را دربرمی‌گیرد (همو، ص ۲۰).
۳- یأمرن بالمعروف و ینهون عن المنکر... (توبه، ۷۱).

فرموده است (طبرسی، ۱۴۱۰ هـ ج ۵، ص ۶۶). بعضی از مصادیق معروف که در آیات و یا بافت زبانی آیات ذکر شده، عبارتند از پرهیز از گناهان زشت (ممتحنه، ۱۲)، توبه و روزه (توبه، ۱۱۲). بیش از ۲۰ مورد از موارد کاربرد واژه «معروف» به بخش های حقوقی قرآن مربوط است؛ به ویژه در مواردی که مقررات مربوط به وظایف و فرائض اخلاقی در روابط خانوادگی و اجتماعی است، مانند رابطه میان زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان، اقربا و خویشان نزدیک و... مثلاً در آیه ۵ سوره نساء می‌فرماید: با سفیهان معاشرت نیکو داشته، با آنها ملایم باشید به گونه‌ای که طبع بیسندند «... وقولوا لهم قولاً معروفاً». یا در آیه ۱۵ لقمان در ارتباط با پدر و مادر مشرک می‌فرماید: و صاحبهما فی الدنيا معروفاً؛ «به پدر و مادر نیکی کنید و آن طور که کرم و مروت اقتضا می‌کند، با آنها رفتار نمایید» (زمخشری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹۴). در آیه ۲۶۳ سوره بقره به دنبال مذمت انفاقی که همراه با منت‌گذاری است، می‌فرماید: قول معروف و مغفره خیر من صدقه یتبعها اذی...؛ «برخورد نیکو که مورد قبول طبع انسان باشد بهتر از صدقه دادنی است که در پی آن اذیت و آزار باشد». آیه ۱۷۸ سوره بقره واژه «معروف» را در ارتباط با حکم قصاص آورده، می‌فرماید: کسی که از قصاص و ریختن خون قاتل بگذرد، بر صاحب دم است که در مطالبه دیه، طریقه معروف را طی کند؛ طریقه‌ای که مردم می‌شناسند. بر قاتل سخت‌گیری ننمایند و زیاده از حق طلب نکنند «... فمن عفی له من اخیه شی فاتباع بالمعروف...». آیه ۱۸۰ بقره نیز واژه «معروف» را در مورد وصیت به کار برده است «کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیراً الوصیه للوالدین والاقربین بالمعروف...». در آیه مزبور معروف اشاره به آن دارد که وصیت‌ها از هر جهت باید عقل‌پسند و عادلانه باشد، به طوری که وصیت را عرف مردم و عقلاً عملی شایسته و مدبرانه تلقی کنند. بنابراین منظور از وصیت معروف، وصیتی است که مردم می‌شناسند؛ وصیتی که بدون ضرر زدن به ورثه و بدون تبذیر در وصیت باشد (اندلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳).

در آیات ۳۲ سوره احزاب و ۲۳۵ سوره بقره «معروف» صرفاً در تبیین مقررات اخلاقی در روابط اجتماعی بیان شده است. در آیه نخست پس از اینکه خطاب به زنان پیامبر فرمود «در گفتار خود با مردان اجنبی ناز و کرشمه نکنید تا کسانی که در دلشان مرض است به شما طمع پیدا نکنند»، می‌فرماید: *و قلن قولاً معروفاً؛* «سخنی معتدل و معمول میان جامعه بگویید». در آیه بعد خطاب به خواستگاران زنانی که همسرانشان از دنیا رفته‌اند و ایشان هنوز در عده وفات هستند، می‌فرماید: وعده‌های پنهان با آنها نگذارید و سخنانتان با آنان به گونه‌ای باشد که شرع و عرف آن گونه سخن را برای ایشان می‌پسندد. اگر در این آیات اموری چون سخن، مصاحبت، طریقه و روش وصیت، همنشین معروف شده‌اند، حاکی از این است که در بسیاری از کارها باید آداب اجتماعی جامعه و زمان لحاظ شود.

رابطه «معروف» با حقوق زن در قرآن کریم

واژه «معروف» مفهومی کلی دارد و منطبق بر موارد متعددی است که خصوصیت مفهوم بنا بر اختلاف موارد تفاوت می‌یابد (مصطفوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۹). بیش از پنجاه درصد از موارد حقوقی که به وسیله معروف ذکر شده، مربوط به حقوق زن است. خداوند در آیات متعدد حقوق زن را در شرایط و موقعیت‌های مختلف بیان کرده است. از جمله آیاتی که دربرگیرنده حقوق جامعی برای زن می‌باشد، آیه ۲۲۸ بقره است. در قسمتی از این آیه می‌فرماید: *و لهن مثل الذی علیهنّ بالمعروف؛* «زنان مانند مردان حقی به عهده همسرانشان دارند». خداوند برای بیان حقوق زنان قید معروف را اضافه کرده است. به دلیل جامع بودن این واژه مفسران مطالب زیادی درباره آن بیان کرده‌اند. بعضی گویند: منظور از معروف در این آیه، حسن معاشرت و ترک ضرر زدن به زن و نفقه و پوشش زن است (طبرسی، ۱۴۱۰هـ ج ۲، ص ۴۲۳). ابن عباس گوید: منظور آراسته و مرتب بودن برای همسر است همانطور که زن چنین وظیفه‌ای دارد (قرطبی، ۱۴۲۲هـ ج ۱، ص ۲۵۱). بعضی دیگر نیز گویند: منظور از مشابهت، مشابهت در وجوب است نه در جنس

فعل. پیامبر فرمود: ... و حقین علیکم ان تحسنوا الیهن فی کسوتھن و طعامھن؛ «حق ایشان بر شما لباس و طعام شایسته است» (آلوسی، بی تا، ج ۲، ص ۷۲).

اختلاف نظر مفسران در این مورد، به دلیل آن است که برخی مفسران حقوق انسانی زن را لحاظ کرده و از آن سخن گفته‌اند و بعضی دیگر حقوق زن در نظام خانواده را در نظر گرفته‌اند. آیه نه تنها مؤید حقوق انسانی زن است، بلکه بیان‌کننده حقوقی برای زن در نظام خانواده است. این حقوق، حقوقی شناخته شده از سوی عرف مبتنی بر شرع است.

امام زین‌العابدین (علیه السلام) حقوق زنان را چنین بیان می‌کنند: حق همسر که با پیوند ازدواج در اختیار تو قرار گرفته، آن است که بدانی خدا او را مایه آرامش دل، راحت‌بخش، انیس و نگهدار تو ساخته است؛ پس هر یک باید نعمت وجود دیگری را به درگاه خدا شکر گویند و بدانید این نعمتی است که خدا به شما داده و باید با نعمت وی همصحبتی نیکو بوده، احترامش را نگه دارید و با او مدارا کنید... . حق او این است که با او مهربانی کنی، همدم و آرام‌بخش وی باش، کامجویی و لذتی را که ناچار باید در بین باشد، رعایت کنی این حق بزرگی است... (موسوی، ۲۰۰۳، ص ۱۱۵). قرآن در بحث حقوق متقابل می‌فرماید: «فان اطعنکم فلا تبغوا علیھن سبیلاً» (نساء، ۳۴) اگر همسران نسبت به وظایف همسری کوتاهی نکردند و در مقام اطاعت برآمدند، بر ایشان بغی و تجاوز روا مدارید. اگر چه زن شایسته در مقابل همسر نرم و متواضع است، چنان‌که در همان آیه می‌فرماید: «فالصالحات قانتات حافظات للغیب»، از مجموع آیات قرآن برمی‌آید که مرد نیز همواره باید حقوق انسانی و همسری زن را در نظر گیرد و نظرهای شخصی بر اساس اغراض نفسانی اعمال ننماید. باید به خاطر داشت که اسلام به مرد حق تحکم و زورگویی نمی‌دهد.

در بعضی آیات به برخی از این حقوق اشاره شده است. به عنوان مثال خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء در مورد نحوه معاشرت با زنان می‌فرماید: «و عاشروھن بالمعروف فان کرھتموھن فعسى ان تکرھوا شیئاً و یجعل اللہ فیہ خیراً کثیراً»؛ «با زنان

مطابق با معروف رفتار کنید. اگر نسبت به آنان بی‌میل هستید، بسا چیزی که نپسندید اما خداوند در آن خیر بسیار گذاشته است». نظام اسلامی در بسیاری از تفصیلات تشریحی متکی بر عرف عام است چنان که می‌فرماید: در معاشرت با همسر و رعایت حقوقش مطابق با عرف عمل کنید (مدرسی، ۱۴۱۹ هـ.ج، ص ۴۴). منظور این است که عرف هر جامعه‌ای معیار فرهنگ آن جامعه است و در نوع برخورد و رفتار با همسر دخالت دارد. طبعاً چون عرف جوامع و طبقات مختلف با هم متفاوت است، نوع رفتارها و برخوردها نیز تفاوت دارد و برخوردی معروف و شناخته‌شده است که پذیرفته‌شده از سوی جامعه باشد. بکارگیری واژه «معروف» برای حقوق زنان در قرآن کریم بعضی از احکام طرح شده در آیات و روایات را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. به عنوان مثال اگر در فرهنگ جامعه‌ای چند همسری امری زشت و برخلاف عرف باشد و زیر سؤال بردن شخصیت زن تلقی گردد، انجام این عمل جز در شرایط خاص پایمال کردن حقوق زن خواهد بود.

از جمله حقوق مسلم زنان، تأمین هزینه زندگی ایشان است. برخی آیات چون آیه ۳۴ نساء و برخی روایات دلالت بر وجوب نفقه و هزینه زندگی زنان دارند. در آیه ۲۳۳ بقره نیز خداوند می‌فرماید: «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف...»؛ «تأمین نیازهای مالی و لباس همسران در سطح متعارف بر عهده مردان است».

پیامبر اکرم (ﷺ) در خطبه حجه الوداع راجع به حق زن بر شوهر فرمود: «بر شما باد خوراک و پوشاک زنانان به طریق معروف»^۱ (حر عاملی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۲۵). امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل کردند که فرمود: «کسی که خانواده و عائله خویش را ضایع کند، مورد لعن و نفرین است». یعنی حقوق آنان را تضییع نموده، هزینه‌های زندگی آنان را تأمین ننماید (همانجا).

۱- فعلیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف...

بنابراین تأمین نیازهای مالی زن از وظایف شوهر است و در صورت عدم رعایت، مرد ناشز خواهد شد و زن می‌تواند از او نزد حاکم شکایت کند (بثربی، بی‌تا، ص ۱۱۲؛ ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی). فقهای امامیه معمولاً نفقه زن را به معنای غذا، لباس، مسکن و مانند آن گرفته‌اند (عاملی، ۱۴۱۱ هـ.ج. ۱، ص ۲۰۵؛ حلی، ۱۳۱۵ هـ کتاب النکاح فی النفقات، ص ۴۵؛ سرخسی، ۱۴۰۷ هـ ص ۲۱۰؛ حلی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۵۶).

فقهای عامه نیز نفقه زن را شامل خوراک و پوشاک و مسکن دانسته‌اند (حلی، ۱۹۴۸ م، ص ۱۲۶؛ جزایری، ۱۴۱۷ هـ ج ۴، ص ۵۵۴). حدود نفقه در قانون مدنی ماده ۱۱۰۷ چنین آمده است: نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خدمتکار در صورتی که زن عادت به خادم داشته باشد و یا به واسطه بیماری نیاز داشته باشد (بثربی، بی‌تا، ص ۱۰۷).

قرآن در آیات ۲۲۹ و ۲۳۱ بقره و ۲ طلاق همواره بر این امر تأکید دارد که تداوم زندگی با زنان باید به طور معروف بوده و هیچ‌گونه زیان و ضرر مادی و معنوی به دنبال نداشته باشد. «فامسکوهن بمعروف» در هنگام طلاق نیز حقوق زن را لحاظ کرده، می‌فرماید: «و للمطلقات متاع بالمعروف حقاً علی المتقین» (بقره، ۲۴۱). در ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی نیز آمده است: نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده برعهده شوهر است... (بثربی، بی‌تا، ص ۱۱۰).

در عده وفات نیز حقوق زنان حفظ شده است. قرآن می‌فرماید: زن بعد از انقضای عده در کار خود اختیار دارد و چنانچه خواست با مرد دیگری ازدواج کند، هیچ کس حق ندارد به استناد پاره‌ای عادات و رسوم جاهلانه از ازدواج او جلوگیری کند «والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً یتربصن بانفسهن اربعه اشهر و عشراً فاذا بلغن اجلهن فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف» (بقره، ۲۳۴). از طرفی در آیه ۲۴۰ سوره بقره یک حکم اخلاقی برای ورثه و در رابطه با همسران بیان شده، می‌فرماید: «والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیه لاوزاجهم متاعاً الی الحول غیراخراج فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهن من معروف والله عزیز حکیم؛ «یک سال

نفقه و لباس و منزل به آنها تعلق می‌گیرد و کسی حق اخراج آنان از خانه‌های همسران را ندارد» (بقره، ۲۴۰).

یافته‌های پژوهش

یکی از واژگانی که برای معرفی کارهای نیک در قرآن کریم به کار رفته است، واژه معروف است. «معروف» در لغت اسم است برای هر فعلی که نیک بودنش به وسیله عقل و شرع شناخته می‌شود. «عرف» و معروف بیش از ۴۰ بار در قرآن کریم به کار رفته‌اند. بیش از ۲۰ مورد از موارد کاربرد واژه «معروف» مربوط به بخش‌های حقوقی قرآن است. به ویژه در مواردی که مقررات مربوط به وظایف و فرایض اخلاقی در روابط خانوادگی و اجتماعی مطرح است مانند رابطه میان زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان، اقربا و خویشاوندان نزدیک و... . بیش از پنجاه درصد از موارد حقوقی، مربوط به حقوق زن است. مفهوم «معروف» را در قرآن کریم می‌توان از طریق واژه‌های متقابل و همنشین، شناسایی کرد. در آیات قرآن «معروف» و «عرف» مقابل «منکر» و «نکر» و «جهل» قرار دارند. در بعضی از آیات «نکر» و «منکر» به معنای ناآشنا و ناشناخته و در بعضی دیگر به معنای کار زشت می‌باشند. بنابراین معروف به معنای شناخته شده، نیکو و منطبق بر طبیعت انسان و شرع و عرف است. در یک مورد نیز در مقابل جهل و همنشین با عفو آمده است. از آنجایی که جهل به معنای خیره‌سری، پرخاشگری و شرارت است، «عرف» به معنای خردمندانه عمل کردن و مدارا کردن خواهد بود. خداوند برای بیان حقوق زن در قرآن کریم از این واژه استفاده کرده است. در بعضی از آیات مثل آیه ۲۲۸ بقره حقوق زنان در زندگی مشترک به صورت کلی و مطلق با این واژه نشان داده شده است «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف». این آیه می‌تواند دربرگیرنده کلیه حقوق زنان (تأمین نیازهای اقتصادی، رفع نیازهای جنسی، نیک رفتاری و...) باشد. در بعضی آیات دیگر، تأمین نیازهای اقتصادی زنان یا مهریه ایشان همراه با این واژه بیان شده است «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن

بالمعروف» (بقره، ۲۳۳): «وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۲۵). این امر حتی در هنگام طلاق نیز لحاظ شده است «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۴۱). در بعضی از آیات نیز رفتار، برخورد و معاشرت نیک با زنان با این واژه ذکر شده است «وَأَشْرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹). در آیاتی چند هم بیان تداوم زندگی با زنان و حتی جدایی مقید به قید «معروف» شده است «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۳۱). قید معروف در این آیات بیانگر آن است که کلیه حقوق زن در نظام خانواده باید شناخته شده از سوی طبع، عرف و شرع باشد. از آنجا که عرف در جوامع و طبقات مختلف جوامع متفاوت است، نوع رفتارها و برخوردها نیز بر این اساس باید تغییر کند و برخوردی شناخته شده و پذیرفته شده از سوی جامعه باشد و البته در همه حال باید مطابق با اصول مسلم و قوانین شرع نیز باشد.



منابع و مأخذ

✓ القرآن الكريم

✓ آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی،

بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا

✓ اندلسی، ابن‌عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر القرآن العظیم و السبع

الثماني، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا

✓ جزایری، عبدالرحمن بن‌عرض، الفقه علی المذاهب الاربعه، بی‌جا، داراحیاء

التراث العربی، ۱۴۱۷هـ

✓ حرعاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه،

بی‌جا، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۸هـ

✓ حلّی، ابن زهره، احکام الاحوال الشخصیه، بی‌جا، بی‌نا، ۱۹۴۸م

✓ حلّی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال

والحرام، تهران، استقلال، ۱۳۷۳

✓ حلّی، جمال‌الدین حسن بن یوسف (علامه حلّی)، قواعد الاحکام، تهران، بی‌نا،

۱۳۱۵هـ

✓ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، معجم مفردات الفاظ قرآن، تهران،

کتابفروشی مرتضوی، بی‌تا

✓ زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون

الاقاویل فی وجوه التأویل، بی‌جا، دارالکتب العربی، بی‌تا

✓ سرخسی، ابوبکر محمد بن ابوسهل، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۷هـ

✓ شوقی ضیف، تاریخ ادبی عرب (العصر الجاهلی)، ترجمه علیرضا نکاوتی

قراگزلو، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، بی‌تا

✓ صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران، حوزه هنری سازمان

تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳

- ✓ طباطبایی، محمدحسین، *تفسیرالمیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، بی‌جا، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷
- ✓ طبرسی، فضل بن سهل، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه التاریه العربی، ۱۴۱۰هـ
- ✓ عاملی، محمدبن مکی (شهید اول)، *اللمعه دمشقیه*، تهران، یلدا، ۱۴۱۱هـ
- ✓ قرطبی، محمدبن احمد ابوبکر، *مختصر تفسیر القرطبی*، عرفان حسونه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲هـ
- ✓ کریمی زنجانی، محمد، «عرف»، دایره المعارف تشیع، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا
- ✓ مدرسی، محمدتقی، *من هدی القرآن*، تهران، دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹هـ
- ✓ مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی‌تا
- ✓ موسوی، عباس علی، *شرح رساله الحقوق للامام زین العابدین علیه السلام*، بیروت، دارالمرتضی، ۲۰۰۳م
- ✓ یثربی، علی محمد، *حقوق خانواده در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بی‌تا
- ✓ اکبری راد، طیبه، «تفاوت دیدگاه مفسران با دیدگاه معناشناسانه در رابطه با مفهوم عمل صالح»، پژوهش دینی، انجمن علوم قرآن و حدیث ایران، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۸۷
- ✓ لاینز، جان، *مقدمه‌ای بر معنی‌شناسی زبان شناختی*، ترجمه حسین واله، تهران، گام نو، ۱۳۸۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی